

مخاطب: دکتر سعید فاطمی



نامه‌هایی از دکتر محمد مصدق

یادداشت سردبیر

از دیرباز، نامه‌های رجال علمی، فرهنگی و سیاسی، با جاذبه‌ی ویژه‌ی توجه فرهنگوران، ادیبان و مؤرخان را به خود جلب کرده است. نامه‌های زنده‌یاد دکتر مصدق نیز بی‌گمان در شمار نامه‌های مفاخر ملی ایران برای ما و آیندگان ارزشمند است. در این شماره، نامه‌هایی از دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی (منشی مخصوص دکتر مصدق در دادگاه لاهه) را که مخاطب دانشمند، آن‌ها را از امریکا به ما فرستاده‌اند، به خوانندگان ارمغان می‌کنیم. عناوین نامه‌ها را سردبیر انتخاب کرده است.

۱- ممنوع الخروج و ممنوع الملاقات

احمدآباد، چهارم فروردین‌ماه ۱۳۴۰

از اظهار لطف و مرحمتی که فرموده‌اید، نهایت امتنان دارم. بنده هم بسیار مایلیم که جناب‌عالی را زیارت کنم، ولی وضعیتم مخصوصاً در این دو سال اخیر طوری‌ست که غیر از با فرزندان با کس دیگری نمی‌توانم ملاقات کنم و حتا از قلعه هم بدون اسکورت حق خروج ندارم. خواهانم که این سال به جناب‌عالی مبارک و میمون باشد و سال‌های بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید. اخلاق حمیده‌ی جناب‌عالی را همیشه می‌ستایم.

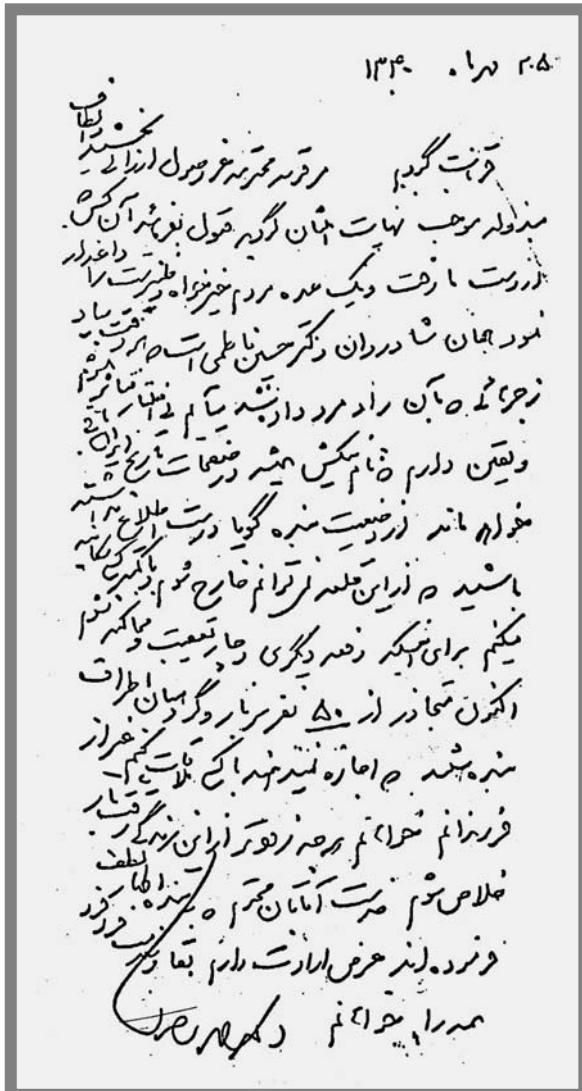
دکتر محمد مصدق

۲- زجرهای دکتر حسین فاطمی

۲۵ مهرماه ۱۳۴۰

قربانت گردم، مرقومه‌ی محترمه عزّ وصول ارزانی بخشید و الطاف مبذوله موجب نهایت امتنان گردید. قبول بفرمایید آن کس که از دست ما رفت و یک عده مردم خیرخواه وطن‌پرست را داغدار نمود، همان شادروان دکتر حسین فاطمی‌ست که هر وقت به یاد زجرهایی که به آن رادمرد داده شد، می‌آیم، بی‌اختیار متأثر می‌شوم و یقین دارم که نام نیکش همیشه در صفحات تاریخ ایران باقی خواند ماند. از وضعیت بنده گویا درست اطلاع نداشته باشید که از این قلعه نمی‌توانم خارج شوم. با کم‌تر کسی مکاتبه می‌کنم، برای اینکه دفعه‌ی دیگری دچار تعقیب و محاکمه نشوم. اکنون متجاوز از ۵۰ نفر سرباز و گروهبان اطراف بنده هستند که اجازه نمی‌دهند با کسی ملاقات کنم، غیر از فرزندانم. خواهانم هرچه زودتر از این زندگی رقت‌بار خلاص شوم. خدمت آقایان محترم که به بنده اظهار لطف فرموده‌اند، عرض ارادت دارم. بقا و سلامت فرد فرد همه را خواهانم.

دکتر محمد مصدق



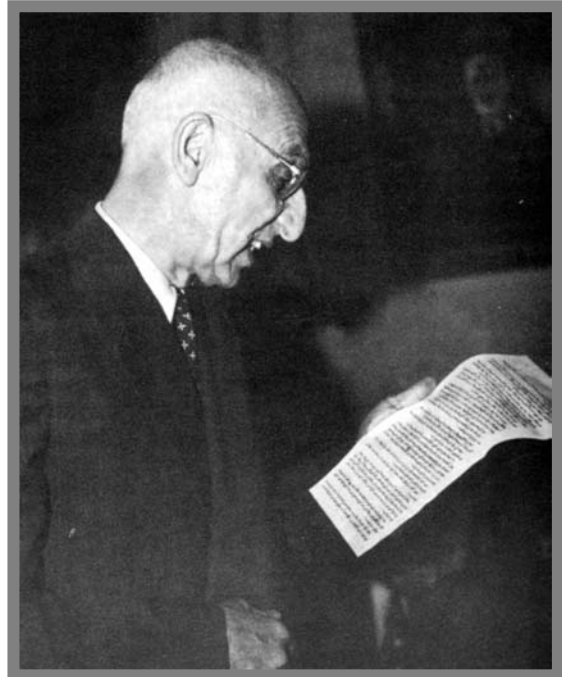
نامه‌ی دکتر محمد مصدق به دکتر سعید فاطمی

بی‌خبرم و در این زندان به سر می‌برم. در انتظار خاتمه‌ی حیاتم. بیش از این عرضی ندارم و سلامتی همگی را خواهانم.
دکتر محمد مصدق

۵ - مقاله می‌خوانم

دوم آبان‌ماه ۱۳۲۹ / ۲۴ اکتبر ۱۹۵۰

جناب آقای سعید فاطمی، خبرنگار محترم روزنامه‌ی باختر امروز! نامه‌ی شریف مورخ ۱۹ اکتبر عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. از این‌که سلامت هستید و در دانشکده‌ی سوربن اشتغال به تحصیل دارید، بسیار خوشوقتم و خواهانم در این مسافرت از هر جهت به جناب‌عالی خوش بگذرد و با موفقیت کامله مراجعت فرمایید. از مقالات جناب‌عالی که در روزنامه‌ی باختر امروز منتشر می‌شود، استفاده می‌کنم و خوشوقتم از این‌که وظیفه‌ی خود را



۳- هفت سال در یک چاردیواری

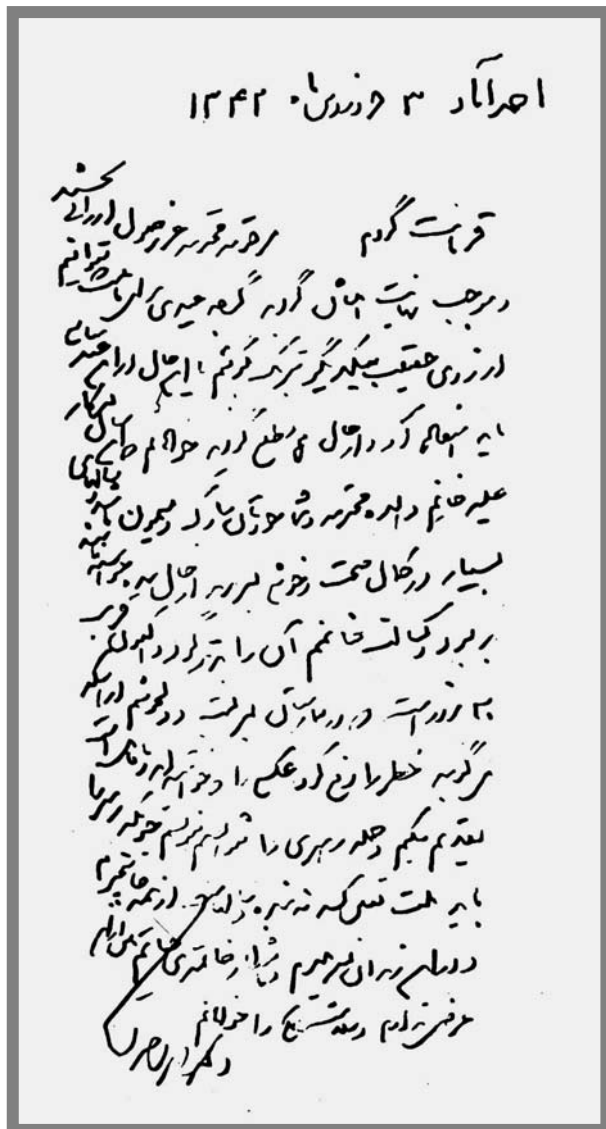
احمدآباد، اول فروردین‌ماه ۱۳۴۲

قربانت گردم، مرقومه‌ی محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. خواهانم که این سال گرچه برای ما عیدی نیست، به جناب‌عالی مبارک و میمون باشد و سال‌های بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید. بنده هم در این قلعه کماکان می‌گذرانم و اجازه‌ی خروج از این چهار دیوار هم داده نشده و اکنون قریب هفت سال است که با این وضعیت می‌سازم. بیش از این چیزی عرض نمی‌کنم که موجب ملالت خاطر شما بشود.
دکتر محمد مصدق

۴ - رهبر را ملت باید تعیین کند

احمدآباد، ۳ فروردین‌ماه ۱۳۴۲

قربانت گردم، مرقومه‌ی محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. گرچه عیدی برای ما نیست که بتوانیم از روی حقیقت به یکدیگر تبریک بگوییم، با این حال در این عید سالی باید استفاده کرد و از حال هم مطلع گردید. خواهانم که این سال به سرکار علی‌ه خانم والده‌ی محترمه و شما خودتان مبارک و میمون باشد و سال‌های بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید. از حال بنده خواسته باشید، بد بود و کسالت خانم آن را بدتر کرد. اکنون قریب بیست روز است که در بیمارستان بستری‌ام و دل خوشم از این‌که می‌گویند خطر را رفع کرده. عکسی را که خواسته‌اید و ناقابل است، تقدیم می‌کنم و جمله‌ی رهبری را نتوانستم بنویسم، چون که رهبر را باید ملت تعیین کند نه بنده و سال‌هاست از همه‌جا



نامه‌ی دکتر محمد مصدق به دکتر سعید فاطمی

گرافته را در جمیع، چنانچه در سوزا می

درست آن عزیزان را در دست و ۹ ساله بجهت دین و پرستاری حافظ
عز و وصول ارزانی بخشید. در این عزت عزیز و عزت بجهت زندگی
که آخرین شده های عمر به سوسا افتاده است درین سینه های عزیز
دیده می شود در این دوره که کس - کس را نیز در واقعات
سرافرازی در سینه های است. مرزاد درستی که عزت حاصل را -
دای ال در احوال و ن فراموش

صورت نه به سینه ستر می گویم که از جلاله عزت مایه مکتب اربع زیرا
۵۳ سال پیش از این افتخار سرداری روزنامه با بنتر امروز را
مدیریت ها در آن سینه مهرت با معجزات ایران در حسن باطنی
دائی شهیدم را در دست و در سطلات کارگاه می گاهل دارم که در
شهره ملی که به سوز دلت ایران می گوی است و این از ما به
بلاحت کار در دست و در سینه مهرت با بنتر امروز را در سینه مهرت
متنای سلامت و در سینه مهرت با بنتر امروز را در سینه مهرت
آن سینه ملی در سینه مهرت با بنتر امروز را در سینه مهرت

نامه‌ی دکتر سعید فاطمی به ماهنامه‌ی حافظ

شمرده و بنده در این زندان که دستم از همه جا کوتاه است، جز از
این که از خداوند موفقیت همگی را در راه خدمت به وطن عزیز
بخواهم، راه دیگری ندارم.

دکتر محمد مصدق

۷- سالروز شهادت دکتر فاطمی

مرقومه‌ی محترم مورخ ۱۹ آبان، روز شهادت مرحوم خلدآشیا
دکتر حسین فاطمی عز وصول ارزانی بخشید و موجب کمال تأثر
گردید. ای کاش سرنوشت ایشان نصیب من شده بود و این زندگی
رقت بار را نمی دیدم. از کسالت سرکار علییه خانم والدهی جناب عالی
بسیار متأسفم، صحت و سلامت ایشان و جناب عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۸- آخرین نورو!

احمدآباد، اول فروردین ۱۳۴۵

مرقومه‌ی محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت
امتنان گردید. خدمت سرکار علییه خانم والدهی محترم سلام دارم و
سلامت تان را خواهانم. کارت محترم عز وصول ارزان بخشید و
موجب نهایت امتنان گردید. خواهانم که این سال مبارک و میمون
باشد و سال های بسیار در نهایت صحت و خوشی به سر ببرید. در
خاتمه ارادت خود را تجدید می کنم و سلامت جناب عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق



دکتر سعید فاطمی در کنار دکتر مصدق (خبرنگاران هم حضور دارند)

خوب انجام می دهید. از حال استفسار نموده اید، عرض می کنم که
بسیار خسته هستم، دکتر معالج سه ماه استراحت کامل را لازم
می داند و بنده به یک روز آن هم موفق نشده ام. دیگر بیش از این
اوقات شریف را تضییع نمی کنم. در خاتمه سلامت و موفقیت و دیدار
جناب عالی را همیشه خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۶- درد دل زیاد است!

احمدآباد، اول فروردین ماه ۱۳۴۱

قربانت گردم، مرقومه‌ی محترمه عز وصول ارزانی بخشید و
موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید. امیدوارم که این سال به
جناب عالی و سرکار علییه خانم محترم والدهی شما میمون و مبارک
باشد و سال های بسیار در کمال خوشی به این اعیاد نایل گردید. درد
دل زیاد است و در راهی که ما قدم برداشته ایم، باید آن ها را به هیچ



از راست: دکتر سعید فاطمی، دکتر غلامحسین مصدق، دکتر محمد مصدق